

# هشدار امام!

(... دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد)

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا

می کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...)

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاسی. انجمن‌های فرهنگی

سال سی و دوم / شماره ۷

شماره مسلسل ۱۴۰۶

نیمه اول تیر ماه ۱۳۹۰

۲۰۰ تومان

آیت الله امامی کاشانی:

کسی حق ندارد  
به یک مجرم  
سیلی بزند



صفحه ۹

مصاحبه با حجت الاسلام  
و المسلمین مختاری:

آشنایی با مؤسسه  
کتاب شناسی شیعه



صفحه ۴

در گفتگوی روزنامه جوان با حجت الاسلام  
والمسلمین خسروشاهی عنوان شد:

دلیل اصلی پیروزی بنی صدر  
حمایت خانواده امام بود

صفحه ۶

نقد و بررسی کتاب  
خاطرات خانم  
طباطبایی، عروس  
امام خمینی (ره)



صفحه ۱۲

دکتر خرازی:

هویت ملی و  
ارزش های دینی، ذات  
نهضت های منطقه است



صفحه ۱۰

مدیر انجمن ادیان و مذاهب حوزه:

تقویت انجمن های  
علمی مسیر تحول در  
حوزه را هموار می کند



صفحه ۹

هانری کربن و  
حکمت اسلامی



صفحه ۱۱

نویسنده: انشاءالله رحمتی



▲ از سمت چپ: استاد خسروشاهی، مرحوم حاج سید احمد خمینی و... (روز تنفیذ بنی صدر)

کارشناس مسائل خاورمیانه:

دیکتاتورهای خاورمیانه، مهره های سوخته آمریکا هستند

صفحه ۱۰

حضرت آیت الله سبحانی:

## در طول تاریخ اتحاد عامل پیروزی مسلمانان بوده است

آیت الله سبحانی با اشاره به آیه «وَأَخْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آیه ۱۰۳، سوره آل عمران)، گفت: در این آیه خداوند از تعبیر طناب بهره برده است، چرا که طناب وسیله‌ای است که اگر کسی در چاه افتاد او را با آن نجات می دهند، در اینجا خداوند نیز خواسته بگوید که اگر امت اسلامی به چاه انحراف افتاد با استفاده از طناب الهی نجات یابد. وی در فرازهای پایانی سخنان خود تأکید کرد که امروز دشمنان مسلمین و مخصوصاً صهیونیست‌ها در صدد اختلاف افکنی بین مسلمانان هستند.

کرده و از تفرقه پرهیز کنید، همچنین مسایلی که باعث تفرقه می شود را تنها در مدارس علمیه خود بحث کنید. وی یادآور شد: در خصوص اختلافات کتاب‌های زیادی نگاشته شده است، اما علما و مسئولان کشورهای اسلامی باید به نگاشتن کتبی که به بیان مشترکات می پردازد، اهتمام داشته باشند. آیت الله سبحانی اظهار داشت: ما شنیده ایم سودان کشور اهل بیت (ع) است. امروز شما هم باید کتاب‌هایی در مورد مشترکات و اموری که مسلمانان از آنها دور شده اند، را منتشر کنید.

حضرت آیت الله جعفر سبحانی، در دیدار وزیر فرهنگ سودان، اظهار داشت: خداوند متعال در این کتاب آسمانی هر کجا که به وحدت می رسد آن را مدح می کند، ولی هر جا به تفرقه می رسد، از آن نهی می کند. این مرجع تقلید خاطر نشان کرد: در طول تاریخ اتحاد عامل پیروزی مسلمانان بوده است، اما دشمنان به این امر پی برده و در صدد از بین بردن آن برآمده و شروع به جدا کردن بدنه امت اسلامی از هم نمودند. وی ادامه داد: امروز باید بر مشترکات تکیه

مدیر اجرایی مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور:

## ارادت به اهل بیت پیامبر نمونه عینی وحدت بین شیعه و سنی است

خیری هر فرد مسلمان در خودسازی و تزکیه نفس اوست و در این راستا باید با تمام توان خود را به اخلاق حسنه آراسته نمایم. وی افزود: تمسک به عوامل وحدت ساز در بین مذاهب مختلف اسلامی و حفظ انسجام دینی و ملی می تواند مسلمانان را از انواع بلاها محفوظ داشته و آنان در مسیر عزت و تعالی رهنمون نماید. مدیر اجرایی مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور خود باوری دینی و تلاش در جهت شکوفایی و تعالی جامعه اسلامی را وظیفه‌ای همگانی عنوان کرد و بر توجه همه اقشار جامعه به این مهم تأکید کرد.

یک واجب دینی می دانند چرا که بر این مهم ایمان راسخ دارند که آنان پاک بوده و همه مردم را به پاکی دعوت کرده اند. وی با اشاره به نمادهای وحدت و انسجام اسلامی در بین مسلمانان شیعه و سنی کشور به ویژه استان کردستان گفت: وحدت و انسجامی که مورد نظر است به عینه در ارادت ویژه مسلمانان شافعی مذهب کردستان به ائمه اطهار (ع) و اهل بیت پیامبر (ص) قابل مشاهده است. مدیر اجرایی مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور تصریح کرد: رمز ماندگاری و عاقبت به

مدیر اجرایی مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور با اشاره به زمینه های بسیار زیاد در راستای تقرب و وحدت بین مذاهب اسلامی گفت: ارادت به اهل بیت پیامبر (ص) یکی از بارزترین نمونه های وحدت و انسجام بین مذاهب اسلامی است. به گزارش تقرب، «حجت السلام محرم علی فراشی» در جمع کارکنان لشکر عملیاتی ۲۲ بیت المقدس کردستان در سنجند گفت: شیعه و سنی همه دوست دار پیغمبر (ص) و اهل بیت پیغمبرند و عمل به دستورات آنان را برای خود

امام جمعه سنجند:

الگوی قضاات مسلمان

باید حضرت علی (ع) باشد و بس

امام جمعه سنجند در خطبه های نماز جمعه با اشاره به جایگاه ویژه قضاوت و عدالت گستری در دین مبین اسلام، گفت: همه قضاات مسلمان باید در راستای برقراری عدالت و احقاق حقوق مردم حضرت علی (ع) را به عنوان الگو و اسوه خویش مورد نظر داشته باشند. ماموستا حسام الدین مجتهدی با اشاره به حدیثی از حضرت محمد (ص) افزود: پیامبر (ص) در جمع صحابه گرامشان از حضرت علی (ع) به عنوان افضل ترین صحابه در امر قضاوت نام بردند و از همه مسلمانان خواستند که در این مورد به علی (ع) مراجعه کنند لذا همه قضاات مسلمان در این برهه زمانی باید با الگو قرار دادن سیره شخصیت حضرت (ع) و رهنمون های ایشان انجام وظیفه کنند.

وی افزود: قوه قضاییه و قضاات در هر کشوری با تلاش در جهت برقراری عدالت و احقاق حقوق مردم نقش کلیدی را در پیشرفت و توسعه جوامع ایفا می کنند و امید است قضاات مخلص و متدین ایران اسلامی همواره با احکام مستحکم خویش کشور را به سوی تعالی و پیشرفت روز افزون رهنمون کنند.

ماموستا مجتهدی با تسلیت سالگرد شهادت آیت الله بهشتی و ۷۲ تن از یارانانش در هفتم تیرماه سال ۶۰ به دست گروهک منافقین اظهار داشت: این شهید بزرگوار و همراهانش خدمات بسیاری را به انقلاب اسلامی ارائه کردند و باید راه و اهدافشان تداوم داشته باشد.









در گفتگوی روزنامه جوان با حجت الاسلام والمسلمین خسروشاهی عنوان شد:

## دلیل اصلی پیروزی بنی صدر، حمایت خانواده امام بود

آغاز شد که سرانجام با برخورد قاطع مقامات و نهادهای مسئول غائله پایان یافت...

بهرحال آقای بنی صدر در این جریان، از سوی شورای انقلاب همراه دوستان دیگر به تبریز رفته بود که در عمل اقدام آنان به نتیجه مثبت و نهائی نرسید و به مرکز بازگشتند.

من این موضوع را در کتاب مربوط به پیدایش و انحلال حزب یا آغاز و انجام حزب خلق مسلمان شرح داده ام در اینجا ضرورتی به تفصیل نمی بینم. انشاءالله اگر کتاب چاپ شد، حقایق بطور مستند در آن روشن خواهد شد.

**نقش بنی صدر در مجلس خبرگان قانون اساسی را چگونه ارزیابی می کنید؟**

با مراجعه به مذاکرات انجام شده در جلسات مجلس خبرگان قانون اساسی، می توان گفت که بنی صدر در فکر اصلاح و تکمیل قانون اساسی بوده و بظاهر قصد تخریب یا انحلال نداشت... و حتی او در مقاله یا مصاحبه ای در ایران، مدعی شد که تنظیم ماده مربوط به "ولایت فقیه" را او پیشنهاد کرده است... و البته می دانیم که او پس از فرار از ایران، کاملاً با مسئله ولایت فقیه به مخالفت و ضدیت پرداخت...

بهرحال در کل نمی توان نقش او را در مسئله قانون اساسی منفی تلقی کرد و اگر در اوائل اشکالاتی هم داشت، به قصد تخریب و انحلال نبود... اما بعدها؛ همه می دانیم که موضع او چه بود. روایت و تحلیل شما از اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری چه بوده و چرا بنی صدر از نظام اسلامی دور شد و نقش دفتر و اطرافیان وی در این راستا چگونه بود؟ و چرا با شهید رجایی مخالفت کرد؟

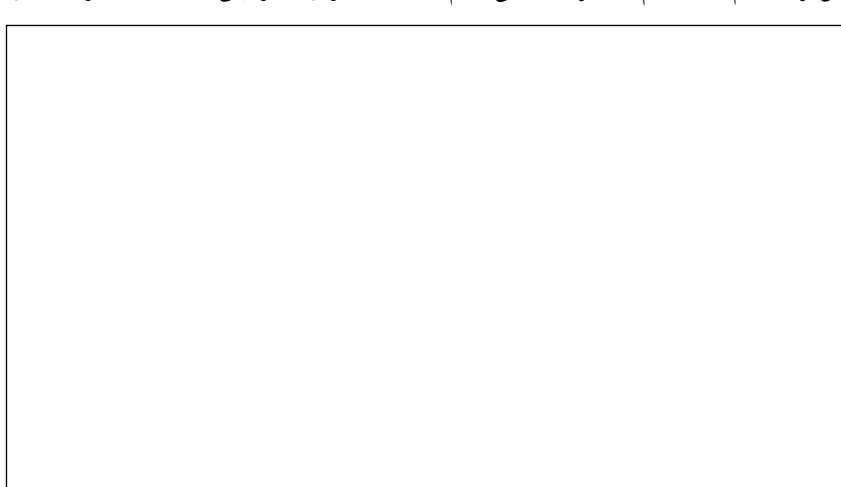
امام خمینی ره با نهمی شرکت روحانیون در امر ریاست جمهوری، میدان را برای دیگران باز گذاشت. هدف امام آن بود که مردم تصور نکنند که هدف اصلی رئیس شدن فلان شخصیت روحانی برجسته بود، از سوی دیگر امام نمی خواستند روحانیون درگیر کارهای اجرایی بشوند و برای همین هم اصولاً پس از استقرار امور خود به قم رفتند و قصد داشتند همچنان در قم بمانند... و روی همین اصل در میان کاندیداهای دوره نخست، اسامی افرادی از همه طیف های ملی - اسلامی - منهای روحانیون - دیده می شوند که بدون هیچ مانع و رادعی در انتخابات شرکت کردند.

آقای دکتر بنی صدر با توجه به پشتیبانی های رسمی بخش عمده ای از اعضاء خانواده امام و هواداری گروه کثیری از روحانیون بلاد از وی، برنده انتخابات شد و هیچکس هم به خاطر شکست در انتخابات، اعلام "تقلب" نکرد... در واقع دلیل اصلی انتخاب شدن آقای بنی صدر موضع گیری های افراد منسوب به بیت امام و علما و روحانیون بود که البته بنی صدر از این نکته غافل ماند و پس از آنکه بر اریکه قدرت نشست، مانند رهبر خود آقای دکتر محمد مصدق، عملاً خواست روحانیون را از همه کارها کنار بگذارد و دور نگه دارد و به نصایح متعدد و مکرر امام توجه نکرد و خود را صاحب یازده میلیون رأی نامید و این بود که دچار غرور شد و حتی در مواردی قانون مصوبه مجلس شورای اسلامی را رد کرد و گفت من این قانون را قبول ندارم! و امام مجبور شد - بدون آنکه از او نام ببرد - در یک سخنرانی فرمود: "تو غلط می کنی قانون را قبول نداری، قانون تو را قبول ندارد..." و این سرآغاز سقوط آقای بنی صدر و سلب اعتماد امام و علماء و مردم بود...

درواقع این نوع اقدامات و اظهارات آقای بنی صدر روند جدائی بنی صدر از نظام جمهوری

انقلاب حضور یابد و به مدارج مهم حکومتی برسد، اما متأسفانه به همان دلیل خود بزرگ بینی و عدم تمکین از قانون و اقدامات غیرمنطقی بسیار، بویژه تفرعن پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، آن مقام و موقعیت را، علیرغم رهنمودها و نصیحت های مکرر خصوصی و علنی امام، نتوانست حفظ کند.

**ماجرای سفر بنی صدر و دیگر اعضای**



**شورای انقلاب به آذربایجان و تبریز برای حل غائله حزب خلق مسلمان چه بود؟**

حزب خلق مسلمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس حزب جمهوری اسلامی و دهها سازمان و گروه اسلامی دیگر، از سوی عده ای از شخصیت های معروف مانند استاد سید صدرالدین بلاغی، سید غلامرضا سعیدی، شیخ رضا گلسترخی، حاج کریم انصاری و اینجانب، اعلام موجودیت نمود و علاوه بر مرکز، در استان ها و شهرهای بزرگ واحدهای وابسته به آن بوجود آمدند و فعال شدند و آذربایجان، بویژه تبریز، از مناطقی بود که حزب خلق مسلمان در آن، اکثریت یافت... اما متأسفانه چیزی نگذشت که عناصر نفوذی و مشکوک، به دور کردن حزب از اهداف انقلاب پرداختند و ضمن مخالفت با قانون اساسی و انتخابات مجلس در واقع به ضد انقلاب پیوستند و حتی با احزاب چپ و ملی گرا، اعلامیه مشترک برای راه پیمائی های غیر مشروع منتشر ساختند که هیئت مؤسسين به دعوت بنده یک جلسه فوق العاده تشکیل دادیم و با توجه به اسناد و اقدامات پیشین ما برای جلوگیری از انحراف و کجروی و به نتیجه مثبت نرسیدن این اقدامات خیرخواهانه، ما راهی جز اعلام انحلال حزب نداشتیم که به اتفاق آراء همه اعضاء مؤسسين اصلی، اعلامیه ای را که من در این رابطه تهیه کرده بودم امضا کردند و با نشر آن در جرائد، حزب خلق مسلمان منحل اعلام شد و ما مسئولیت خود را از هرگونه فعالیت احتمالی حزب، سلب نموده و آن را رسماً اعلام کردیم...

به دنبال این اقدام، عناصری غیرمسئول، به فعالیت های خود و متأسفانه تحت نام همان حزب منحل، ادامه دادند و در بعضی از شهرستان های آذربایجان اقدام به انحلال نمودند و حتی ساختمان های دولتی و اداره رادیو و تلویزیون تبریز را اشغال نموده و به پخش اعلامیه هایی به نام حزب پرداختند...

در همین رابطه، هیئتی از سوی شورای انقلاب، پس از تماس با مرحوم آیت الله شریعتمداری - که در واقع پشتیبان اصلی حزب بودند - به تبریز رفتند تا به غائله پایان دهند و با گفتگو و مشورت به حل موضوعات مورد نظر بپردازند که متأسفانه عاملان اصلی انحراف، راه حل های پیشنهادی را نپذیرفتند و در نتیجه اغتشاش و آشوب و قتل و غارت در منطقه

البته مفید بودن کتاب، دلیل بر "عامل بودن خود مؤلف بر طبق آن، در زندگی سیاسی - اجتماعی نیست... مثلاً اگر ایشان به جنبه های منفی کیش شخصیت توجه داشت و این نوع اخلاق و روش های منفی را از خود دور می کرد، دچار آن انحراف بزرگ، پس از پیروزی انقلاب نمی شد و راه مستقیم را برای خود انتخاب می کرد... تفرعن و ویژه و اینکه من بر ۱۲۰ علم تسلط دارم و بیشتر از همه می فهمم،

اوج نقطه خود بزرگ بینی ایشان بود... و این نشان می دهد که متأسفانه آن نقاط منفی را از خود دور نکرده و در واقع به تهذیب نفس نپرداخته است. که نقطه آغازین آن، تواضع و فروتنی و احترام به دیگران است... که متأسفانه فاقد این خصلت ها بود.

امام خمینی در مورد احمد کسروی که در تفسیر سوره حمد ایشان آمده است، می فرماید که او اهل قلم بود و اطلاعات تاریخی خوبی داشت، اما مغرور شد و به بیراهه رفت... یا در مورد یکی از شاگردان خود که کتاب اخلاق نوشته و منتشر ساخته بود، بدون اینکه نامی ببرند، گفتند ممکن است انسان کتاب در اخلاق بنویسد، ولی خود صاحب آن اخلاق حسنه نباشد...

و متأسفانه آقای بنی صدر نیز چنین خصلتی داشت... و "عامل" گفته ها و نوشته های خود نبود...

**بنی صدر چگونه پس از پیروزی انقلاب وارد شورای انقلاب و مدارج مهم حکومتی شد؟**

البته آقای بنی صدر یکی از افراد شاخص در میان دانشجویان مسلمان و فعالان سیاسی در خارج بود. روی همین اصل در همکاری با مسائل نهضت مطرح بود و از سوی دیگر امام پدر ایشان، مرحوم آیت الله بنی صدر را می شناخت و این در واقع یک نکته مثبت برای وی بشمار می رفت و از همه مهمتر، هدف اصلی رهبری انقلاب و عناصر نزدیک به ایشان، جذب حداکثری بود... تا آنجا که امام در پاریس در مصاحبه ای رسماً اعلام کردند که "مارکسیست ها هم می توانند آزادانه حرف خود را بزنند..." و ما شاهد این آزادی بیان و آزادی نشر افکار چپ و راست در اوائل انقلاب در ایران بودیم و تا روزی که آن ها به اپوزیسیون بازی و اقدام مسلحانه روی نیاوردند، از این آزادی ها برخوردار بودند تا آنجا که حدود چهل یا پنجاه سازمان چپ و مارکسیستی با نشریات و روزنامه های ارگان - و اغلب بدون مجوز - در کشور پس از انقلاب فعال بودند... اما وقتی دست به اسلحه بردند، دیگر همکاری با انقلاب اسلامی مفهومی نداشت...

بهرحال آقای بنی صدر از آن عناصر شناخته شده اسلامگرا بود که بارها در نجف خدمت امام رسیده بود و در پاریس هم در خدمت امام بود و مقالاتی هم که می نوشت و چاپ شده و موجود است، از اهداف و افکار امام به شدت دفاع می کرد... و به همین علل و عوامل، او توانست در شورای

اشاره: حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی اگرچه شخصیتی فرهنگی است اما حضور او در عرصه سیاست خاطرات جالبی را به همراه داشته است. در ادامه بخشی از خاطرات آقای خسروشاهی را درباره اولین رئیس جمهور انقلاب اسلامی دارم.

**ویژه نامه تاریخ سیاسی - روزنامه جوان - خرداد ۱۳۹۰**

**آشنایی شما با آقای ابوالحسن بنی صدر از چه زمان آغاز شد؟ آیا قبل از انقلاب با ایشان مراوده یا مکاتبه داشتید؟**

آشنائی من با آقای دکتر ابوالحسن بنی صدر به دورانی برمی گردد که به دعوت انجمن های اسلامی دانشجویان در اورپا، به آن دیار سفر کردم. این سفر در سال ۱۳۳۸ انجام گرفت و من با اتوبوس "میهن تور" از تهران تا ترکیه، بلغارستان، اتریش، یوگسلاوی، فرانسه، آلمان و سپس با کشتی به انگلستان سفر کردم و مدت دو سه ماه در این کشورها بودم و برای دانشجویها سخنرانی می کردم یا در جلسات آن ها شرکت می نمودم. در این سفر، بیشتر با آقایان زیر مأنوس شدم:

اطریش: دکتر منوچهر ولاتی و دکتر مهدی صحرانیان. آلمان: دکتر صادق طباطبائی، مهدی طارمی، مهندس مصطفی حقیقی. فرانسه: دکتر بنی صدر، دکتر فخری تبریزی، دکتر مهدی مظفری. انگلستان: خلیل طباطبائی، احمد حاتمی، حسین غفرانی و در آمریکا هم البته از راه مکاتبه و مبادله فرهنگی با آقایان: شهید دکتر چمران، دکتر ابراهیم یزدی و مهندس محمد توسلی...

بنده برای اغلب این آقایان یا انجمن ها کتاب و نشریه و مجله می فرستادم و آن ها هم متقابلاً نشریات خود را برای من می فرستادند... البته من در بعضی از نشریات آنها مانند مجله "مکتب مبارز" نشریه انجمن اسلامی دانشجویان در آلمان، مقاله می نوشتم و یا بعضی از آثار بنده را انجمن اسلامی امریکا در آن سامان تجدید چاپ کرده و در بین اعضاء انجمن ها توزیع می کرد که از آن جمله بود: "دو مذهب" و "ما چه می گوئیم..." با اغلب آن دوستان منهای دکتر بنی صدر و شهید چمران مکاتبه داشتم که اغلب نامه هایشان را هنوز دارم! و امیدوارم که در مجموعه خاطرات - حدیث روزگار - آن ها را بیابم. در این سفر، در پاریس با آقای دکتر بنی صدر آشنا شدم. بچه های می گفتند "ایدئولوگ" و نظریه پرداز نیرومندی است... من در دیدارم فهمیدم که اهل قلم و بیان است ولی آن عمقی را که دوستان می گفتند، ندیدم! شاید هم به دلیل کوتاهی اقامت و کمی دیدار بود... اما بعد کتابهایش را خواندم که منهای بعضی "شذوذات" مطالب خوبی داشت... پس از آن دیدار، دیگر با ایشان ملاقات و یا مکاتبه ای نداشتم.

البته در آن دیدار، برخورد ایشان برخلاف دیگر بچه ها "سرد" و "بی روح" بود! فکر کردم که با من اینطور است؛ ولی بعدها معلوم شد که با همه این چنین است، چون خود را آشنا با همه علوم و فنون قدیم و جدید می نامد و برتر از همه می داند!

**نظر شما درباره کتاب های پیش از انقلاب بنی صدر مانند کیش شخصیت و اقتصاد توحیدی چیست؟**

به نظرم در این گفتگوی کوتاه نمی توان به بررسی و ارزیابی محتوایی و دقیق کتاب ها پرداخت، ولی در کل می توان گفت این دو کتاب و بعضی دیگر از آثار ایشان در آن دوران، منهای پاره ای اشتباهات، از غنائی برخوردار بود که در مقالات و آثار دوستان، آن دوران در خارج این نکته ها کمتر دیده می شود.

اسلامی را تسریع نمود و از سوی دیگر دفتر به اصطلاح هماهنگی مردمی وی که در واقع حزبی بدون آرم و نشان - ولی دارای ارگان به نام انقلاب اسلامی - بود می خواست که تمامی امور را قبضه کند و در واقع نوعی حکومت تک حزبی به رهبری آقای بنی صدر بوجود آورد و در همین راستا به نشر مقالات و اشاعه اتهامات بر ضد دیگران پرداخت و روند جدائی بنی صدر از نظام را تکمیل نمود.. و در واقع می توان گفت که دفتر و اطرافیان بنی صدر که در میان آنها عوامل نفوذی خلقی ها هم فعال بودند، نقش مهم و عمده ای در جدائی بنی صدر از انقلاب اسلامی داشتند.. و البته همین ها بعداً او را همراه خود برای ادامه اجرای طرح توطئه، به خارج بردند..

البته امام خمینی ره با توجه به خاطره مسئله مشروطیت و حاکمیت عین الدوله ها، پس از پیروزی و با شناخت عینی از حوادث نهضت ملی شدن صنعت نفت که رهبر آقای بنی صدر به حذف عملی آیت الله کاشانی و کسب اختیارات تامه از مجلس پرداخت تا کلیه امور، بدون مراعات قانون در اختیار ایشان باشد، احساس خطر کرد و مانع از ادامه تخلف های آقای بنی صدر شد با اینکه همه می دانیم امام در مراحل نخست، چقدر از بنی صدر حمایت کرد، ولی وقتی دید که طرف قابل ارشاد و اصلاح نیست، اول او را از فرماندهی نیروهای مسلح برکنار نمود و سپس مجلس به عدم صلاحیت وی رای داد و آقای بنی صدر برای همیشه از انقلاب و نظام اسلامی حذف شد!

البته اختلاف بنی صدر با شهید رجائی هم ناشی از همان قدرت طلبی و انحصارگرایی وی بود. او می خواست همه امور در اختیار شخص

وی باشد و نخست وزیری که برای خود برنامه هدفی دارد در کنار او قرار نگیرد. یعنی در واقع او نخست وزیری به عنوان تکمیل دکور لازم داشت نه کسی که بخواهد ابراز نظر کند یا طرح و برنامه خاصی را ارائه نماید. و البته می دانیم که این اختلاف و نزاع فقط در مورد شهید رجائی نبود بلکه آقای بنی صدر با همه نهادهای انقلابی مانند سپاه پاسداران و مجلس و افراد تأثیرگذار و باسابقه در انقلاب، مشکل داشت..

**علت حملات بنی صدر و اطرافیانش به شهید بهشتی چی بود؟**

در واقع از برخورد او با شهید بهشتی می توان فهمید که آقای بنی صدر رقیب اصلی خود را شهید بهشتی می دانست که گویا مسئول همه فتنه ها هم او بوده است.. روی همین اصل بود که هوادارن او به شدت بر ضد ایشان اقدام می کردند و اتهامات ناروا و اکاذیب عجیب و غریبی علیه ایشان منتشر می کردند و در جائیکه کسی معتقد باشد که فلانی اصلاً متدین! نیست، ماهیت قضیه روشن می شود..

بهرحال من این نکته را در بیت امام، به حاج احمد آقا نقل کردم و او تعجب کرد که بنی صدر باز این جمله را تکرار کرده است و گفت به بعضی از دوستان هم چنین حرفی زده بود که امام دستور داد پرهیز کند و معلوم می شود که او به دستور امام هم گوش نمی دهد!

البته آقای بنی صدر در مقابل، خود را دین باور و خداجو و بی اعتنا به قدرت و حکومت می نامید ولی به دعوا ادامه می داد.. این بود که سرانجام امام مجبور شد در یک سخنرانی عمومی، بطور واضح اعلام کند: .. دعوای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خداست ما برای مصالح اسلامی دعوی می

کنیم. دعوی من و شما و همه کسانی که دعوی می کنند، همه برای خودشان است. (این بیان در صحیفه امام ج ۱۴ ص ۴۷۹ عیناً آمده است).

آقای بنی صدر فقط به بیان و اشاعه اتهامات و اکاذیب در سخنرانی ها بسنده نمی کرد.. او در مقالات نوشته های خود نیز از تخریب دیگران باکی نداشت و این باز علیرغم دعوت مکرر امام به آشتی و آرامش بود.. و بالاخره امام در بیانی فرمود: ... به همه آقایان می گویم با هم جنگ نکنید. روزنامه ها را بر نکند از بدگویی از هم.. انتقاد، انتقاد صحیح باید بشود. هر کس از هر کس می تواند انتقاد صحیح بکند اما اگر قلم در دستش گرفت انتقاد کند برا



بود و پس از احوالپرسی سرد - مانند همیشه - گفت: شما این استوارنامه را کی برای من آوردید که من امضا نکردم؟ رفسنجانی در جلسه ای در خدمت امام گفت که من استوارنامه شما را امضا نمی کنم! گفتم: استوارنامه را که خود سفیر خدمت آقای رئیس جمهوری نمی آورد، اداره تشریفات وزارت خارجه به دفتر شما می فرستد و من از تاریخ ارسال آن خبر ندارم اما می دانم که مانند بقیه استوارنامه ها امضا نکرده اید!

گفت: من مال شما را امضا می کنم ولی بقیه را امضا نخواهم کرد! من ماشین امضا نیستم که دیگران دستور دهند و انتخاب کنند و من فقط امضا کنم.

من گفتم که بالاخره این جزء وظایف رئیس جمهوری نیست که سفیر را انتخاب کند، بلکه طبق قانون اساسی، او استوارنامه افراد معرفی شده را باید امضا کند! (این ماده بعدها در برنامه اصلاح قانون اساسی مورد تجدیدنظر قرار گرفت و تغییر یافت)

آقای بنی صدر عصبانی شد و گفت: چه معنی دارد که رئیس جمهوری ندانسته و نشناخته افراد را به عنوان سفیر خود به این کشور و آن کشور بفرستد.. من شما را می شناسم و امضا می کنم ولی بقیه را امضا نخواهم کرد.

من گفتم: البته مال مرا هم امضا نکنید چون من در حوزه علمیه قم راحت تر هستم ولی با این شرایط، ادامه اداره کشور با مشکل روبرو خواهد شد و شما اگر با آقای بهشتی و آقای رفسنجانی و... نتوانید همکاری کنید، با علماء دیگر بطریق اولی نخواهید توانست همکاری کنید! آقای بنی صدر به محض شنیدن نام شهید بهشتی از کوره در رفت و گفت: هر فتنه ای در کشور هست زیر سر او است! و من او را اصلاً متدین نمی دانم..!

من گفتم: اگر اجازه بدهید مرخص شوم چون ادامه این گفتگو با این لحن ظاهراً مشروع و صحیح نباشد.. و بلند شدم که بروم.. آقای بنی صدر در این فرصت استوارنامه را امضا کرد و آن را می خواست به من بدهد که گفتم قاعداً باید به وزارت امور خارجه بفرستید و من نباید تحویل بگیرم.. و خداحافظی کردم..

**روند فراز و نشیب ارتباط بنی صدر با دفتر امام را چگونه ارزیابی می کنید؟**

البته دفتر امام در واقع زیر نظر مستقیم حضرت امام خمینی اداره می شد و افراد وابسته به آن، طبق نظریه امام عمل می کردند.. و دفتر تا وقتی که امام خمینی از آقای بنی صدر پشتیبانی می کرد و برای اصلاح و ارشاد وی می کوشید و تلاش دلسوزانه داشت که او را در مسیر صحیح و سالم نگهدارد و نگذارد که فدای جاه طلبی گردد، اعضاء دفتر از جمله حاج احمد آقا، با او روابط حسنه و دوستانه داشتند.. اما از زمانی که نگرانی و ناراحتی امام را احساس کردند، به تدریج روابط به سردی گرایید.. و سرانجام با اعلام عدم صلاحیت وی برای اداره کشور و حذف او از ریاست جمهوری، دفتر نیز روابط خود را با او قطع کرد..

**بعد از فرار بنی صدر به پاریس آیا طرفداران او برای شما که در رم مستقر بودید، مزاحمتی ایجاد کردند؟**

خوب البته در اروپا ایجاد مزاحمت علنی برای هر کسی، بی گرد قانونی و کیفری دارد و این دوستان طبق قانون نمی بایست مزاحمتی ایجاد کنند ولی بهرحال در مواردی به ایجاد مزاحمت و تخریب و یا انداختن بمب صوتی به داخل حیاط اقامتگاه - از خیابان جنبی - پرداختند و یک بار محل سفارت ما را مورد حمله قرار دادند و پس از اشغال سفارت و شعارنویسی بر در و دیوار، به تخریب میز و صندلی و

کتک زدن یکی دو نفر از کارمندان ایرانی محل را ترک کردند و البته چون در آن روز من همراه آیت الله تسخیری برای شرکت در کنفرانس اندیشه اسلامی، به الجزائر رفته بودم، خود من آسیبی ندیدم.

غیر از این امور ایذاتی، یک بمب پلاستیکی قوی در داخل یک ماشین حساب هم از طریق پست، از پاریس برای من فرستاده شده بود که چون من به آن مشکوک شدم به پلیس رم خبر دادم.. فوری گروه ضربت آن آمد و ماشین حساب را زیر دستگاہی گذاشت که آژیر کشید و گفتند که حاوی مواد منفجره است و بعد آن را بردند در باغ سفارت خشتی کردند و اعلام کردند که اگر بمب منفجر می شد، کل ساختمان سه طبقه سفارت ویران می شد.. و البته در آن ایام هم چون من متهم به همکاری با تروریست ها! شده بودم - توسط امیر طاهری در روزنامه ساندی تایمز معروف چاپ لندن - اگر بمب هم منفجر می شد لابد در وسائل ارتباط جمعی اعلام می کردند که سفیر! در حین ساختن بمب! منفجر شده است..

علاوه بر نشر اتهامات واهی تروریستی در روزنامه های مجاهدین و سلطنت طلب ها، همراه روزنامه کیهان فارسی چاپ لندن هم اتهام اخذ پول از تهران برای تأسیس مراکز آموزشی تروریستی در اروپا را منتشر ساختند که نشان دهنده بی اعتباری و بی ارزشی معیارهای انسانی - اخلاقی در نزد اداره کنندگان آنها بود.

در مورد ساندی تایمز البته من توسط وکیل سفارت در لندن موضوع را به های کورت - دادگاه عالی - کشاندم و سرانجام روزنامه ساندی تایمز، چون دلایل و اسنادی برای اثبات فعالیت های تروریستی من نتوانست ارائه کند، در دادگاه محکوم به عذرخواهی رسمی در روزنامه و پرداخت خسارت به من و پرداخت کل هزینه های وکیل و دادگاه و.. گردید و البته ما هم تا آخرین پنی آن را اخذ کردیم بویژه که مالک و ناشر روزنامه آقای مردوک! یکی از یهودی های سرمایه دار و معروف بود و حیف بود که خسارت را از او نگیریم.

اما مهم تر از دریافت خسارت، اخراج امیر طاهری، سردبیر اسبق کیهان اینترنتاشینال از روزنامه ساندی تایمز بود که موفقیت مهمی بود و از آن تاریخ به بعد، او دیگر حق نوشتن مقاله در آن روزنامه معروف ۱۵۰ ساله انگلیسی - با دو میلیون تیراژ در روزهای یکشنبه - ندارد، چون طبق اظهار مسئولین حقوقی روزنامه، او با نشر اکاذیب، آبروی پرسابقه آن روزنامه را خدشه دار کرده بود.

**ظاهر آقای بنی صدر نخست با سازمان منافقین مخالف بوده و آن ها را تروریست می دانسته، اما ناگهان می بینیم که با آن ها پیمان مودت می بندد و در پناه آن ها هم به خارج فرار می کند. این تغییر در اندیشه و عمل چگونه قابل توجیه است؟**

آقای بنی صدر در دوران اقامت در پاریس و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، اصولاً با سازمان مجاهدین مخالف بود و حتی کتابی در رد اندیشه و تفکر آنان نوشت و منتشر ساخت.. و در ایران هم نخست با آن ها میانه خوبی نداشت، اما به تدریج و برای کسب قدرت تامه، احساس نیاز به سازمان و تشکیلاتی نمود که بتواند او را در اهداف ویژه اش کمک و یاری کند.

بنگاه یا دفتر هماهنگی مردمی! کارساز نبود و این بود که او به جای بهره مندی از پشتیبانی امام و نهادهای انقلابی، به سازمان های چپ و راست روی آورد و عمدتاً با سازمان مجاهدین پیوند خورد.. و در واقع در مراحل بعدی، کارگردان امور دفتر هماهنگی و تشکیلات ریاست جمهوری، اعضاء یا هواداران سازمان بودند..

قبل از این پیوند نامبارک، که سرانجام اسفناکی هم برای وی داشت، او تروریست هایی را که روحانیون را ترور می کردند، عوامل فساد و استبداد می نامد که نتیجه کار آن ها در نهایت سلطه یک

قدرت خارجی خواهد بود.

تحلیل آقای بنی صدر در آن زمان این بود که ترور یاران امام برای از میان برداشتن و تخریب سد اصلی است که امام خمینی بود، و در این تحلیل نتیجه می گرفت که سرانجام خود این تروریست ها قربانی اقدامات خود خواهند شد.

آقای بنی صدر در دو سرمقاله روزنامه خود - انقلاب اسلامی - شماره های ۱۴۶ و ۱۴۷، مورخ چهارشنبه و پنجشنبه آذرماه ۱۳۵۸، تحت عنوان: ای تروریست ها به شدت آنها را مورد انتقاد قرار می دهد که به نظر من این دو سرمقاله، باید به عنوان سندی زنده درباره مسائل تاریخ انقلاب اسلامی ثبت شود.. و به همین دلیل، بی مناسبت نمی دانم که خلاصه ای از این دو سرمقاله روزنامه انقلاب اسلامی را نقل کنم تا نسل جوان و کسانی که در آن تاریخ در صحنه نبودند و یا از حقایق امر اطلاعی ندارند، از آن آگاه شوند.

آقای بنی صدر در تحلیل عملکرد و نتیجه اقدامات تروریست ها در ایران، چنین می نویسد: "... ای تروریست ها شما می خواهید تشدد را در جامعه روزافزون سازید. می خواهید ثبات سیاسی را از بین ببرید. از خود پرسیده اید چرا چنین می خواهید؟ با بی ثبات کردن نظام سیاسی انقلابی ایران به کدام هدف می خواهید دست یابید؟

نمی توان گفت که شما در جمع انقلابیون هستید و گرایش های مختلف با یکدیگر جنگ نفوذ می کنید، بنابراین شما ای تروریست ها، می خواهید خود و مارا قربانی استبداد کنید که رنگ آن هر چه باشد، به ناگزیر زیر سلطه یک ابرقدرت خارجی قرار خواهد گرفت. شما مقدمات استبداد را فراهم می آورید، ولی مردم با استواری شعار انقلاب: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را حفظ می کنند. آزادی نوری است که چشم های شما را به روی واقعیت ها باز می کند. ای قربانیان استبداد سیاه از تاریکی بدر آید، این نور به شما گرمی و هیجان زندگی می بخشد...

**ای تروریست ها شما می خواهید در مردم ما روحیه یأس از انقلاب اسلامی را القا کنید. اما به ما بگویید: شما چرا می خواهید در یک جامعه مایوس، بی حرکت، مرداب، کرم باشید؟ چرا نمی خواهید در آب زلال انقلاب ماهی شوید؟**

ای تروریست ها مردم ما یا باید به خواسته شما تن بدهند و تسلیم یأس و اختلاف و پژمردگی شوند و یا دنبال ایجاد همان جو انقلابی بروند که در زمان مبارزه برای سقوط رژیم شاه سابق وجود داشت. مردم ما باید دنبال جو انقلابی بروند همه کار کنند تا امید پدید آید و در پرتو نور گرم این وحدت و امید شما نیز از این روحیه بیمارگونه خلاص یابید.

ای تروریست ها شما روحانیون را می کشید. خود بنگرید که کدام ها را انتخاب می کنید؟ در تبریز شنیدیم که ضد انقلاب اسلامی ها گفته بودند: سد، خمینی و جانبداران او هستند. بقیه را مثل پلو می خوریم. بنابراین شما می خواهید سد را بردارید. چرا امام و روحانیت پیشرو را سد راه می شمارید و می خواهید از سر راه بردارید؟ کمی درباره این سؤال فکر کنید و از خود پرسید برای کدامیک از سه هدف زیر این کار را می کنید:

تضعیف روحانیت و از بین بردن تحرک آن از راه حذف جناح پیشرو.

حذف روحانیت.

موافق گردان روحانیت با نظم و نظامی که پیش از این آن را توضیح دادیم.

شما در پی حذف روحانیت نیستید و از طرز کار شما معلوم است که کار شما بیشتر یکی از دو هدف اول و سوم را تعقیب می کند. اما هدف اول در نهایت همان هدف سوم است چرا انقلاب وقتی واقعیت پیدا می کند که روحانیت تنها در پی اسلام بی غش باشد و مسجد، کانون جنب و جوش و تحرک و نوآوری بگردد. وقتی پیشروها ترور می شوند،

تحرک انقلابی از بین می رود. روحانیتی که برجامی ماند. خود را با نظام حاکم تطبیق می دهد وضع همان می شود که تا قیام امام خمینی وجود داشت. بدین قرار خود و ما را نفریبید شما در پی مبارزه با آخوندیسم نیستید. شما در پی حفظ همان جناح و همان آخوندیسم واقعی هستید که آهنگ شتاب گیر

روشن و با وجود ده ها احتمال خطر. اما نه، شما که خود قربانیان شکارچینی هستید که می خواهید ایران را تحت استبداد و زیر سلطه ابرقدرت ها در آورند، باید بدانید که کار آنها دریافتن و به کار گرفتن شما مشکل نیست. در حقیقت وقتی در شیوه کار در فاشیسم و در پهلوی ایسم دقت شود، معلوم



▲ ابوالحسن بنی صدر بعد از برگزاری مراسم تنفیذ در بیمارستان

می گردد که برای این نوع کارها، ذهن های ساده ای لازم است که در آنها تمایل به عمل خشونت آمیز شدید باشد. کفایت آنها را در این گونه عملیات شرکت داد. از آن پس تحت ترس از لو رفتن و تمایل به جنایت، عمل می کنند. بدین قرار شما را نمی توان اهل ایمان و ایمان انقلابی شمرد. آدم با اعتقاد نمی تواند بدون اطلاع و علم واقعی و با روش کار شما انسان کشی کند. شما خود را نفریبید و باور نکنید که مردم شما را معتقد ولو به عقیده انحرافی بپندارند. بنابراین شما در هر حال و هر وضعی که پیش آید قربانیان جنایت های خود هستید.

ای تروریست ها در این دنیا، بدون عقیده و ایدئولوژی هیچ جامعه ای، وحدت و موجودیت مستقل خویش را نمی تواند حفظ کند. تجربه ایران از عصر ناصرالدین شاه قاجار تا سقوط رژیم پهلوی نباید جایی برای تردید گذاشته باشد که جامعه بدون اعتقاد، ناگزیر به هر فکری، از هر کجا بیاید تن می دهند و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را از دست می دهند. بنابراین ایران پس از یک قرن و بیشتر در اسلام وحدت جسته است و می خواهد استقلال خود را به دست بیاورد. شما در این شکار انقلابیان، می خواهید ایران را از اسلامیت و ایرانیت که مایه وحدت و استقلال ایران است محروم کنید.

شما می خواهید یأس از اسلام، یأس از فرهنگ استقلال بوجود بیاورید تا بار دیگر سلطه بیگانه بر کشور ما ممکن شود. بدین قراز شما چه بدانید و چه ندانید در خدمت تبهکارترین دشمنان ایران هستید شما بر ضد استقلال ایران عمل می کنید... این دو سرمقاله، علاوه بر روزنامه مزبور در جلد دوم کتاب: 'صد مقاله از ابوالحسن بنی صدر، صفحه ۱۶۰-۱۵۳ نقل شده است. کتاب مزبور در سال ۱۳۵۹ از سوی سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، با مقدمه ای از برادر عزیز آقای دکتر سید علی موسوی گرمارودی، که به دستور امام در بخش فرهنگی ریاست جمهوری فعال بود، در تهران به چاپ رسیده است.

**آیا آقای بنی صدر در این عقیده خود ثابت قدم ماند یا اینکه پس از پیوند با منافقین، از آن عدول کرد؟**

نخیر! آقای بنی صدر با تغییر موضع ۱۸۰ درجه ای، در اروپا، پس از فرار از ایران، ناگهان هوادار سرسخت ترور شد و آن را برای سرنگونی رژیم خمینی - به تعبیر او - یک امر ضروری دانست و

حتی تروریسم را هم نبرد آزادیبخش نامید و در یک مصاحبه مطبوعاتی، در کنار مسعود رجوی رسماً آن را اعلام داشت.. و بدینترتیب روشن شد که هدف، وسیله را نه تنها توجیه می نماید، بلکه یک امر ضروری هم می کند... و پس از آن وعده دادند که سه ماه دیگر به ایران برمی گردند و جمهوری دمکراتیک و مردمی را سامان می دهند و این مدت را بعد خود تمدید کردند.

آقای بنی صدر که به تروریسم می تاخت، سرانجام در راه حفظ قدرت و کرسی ریاست اعلام کرد که اگر پنج نفر از مسئولین درجه اول کشور ترور شوند، نظام سقوط می کند و او برای اداره کشور بر می گردد.. و البته در راستای همین نوع اندیشه شیطانی بود که ترورها در ایران بیشتر شد و به انفجار مقرر حزب جمهوری اسلامی رسید ولی گویا هوس تروریستی آقای بنی صدر مانند هوس قدرت طلبی، پایان ناپذیر بود و او در خارج در انتظار پنج ترور بزرگ! بود تا خود برگردد!

.. ترورها البته ادامه یافت ولی مدت تعیین شده برای برگشت! تمدید شد و از سه ماه به سه سال و سپس به سی سال! رسید!

البته این پیوند سازمان با وی در خارج از کشور با وصلت دختر آقای بنی صدر با مسعود رجوی، تکمیل گردید ولی چون هیچکدام روی ایمان و عقیده نبود، دیری نپایید که بکلی از هم گسست و با آمدن گروه رجوی به بغداد و پناه گرفتن در دامن حزب بعث و صدام، آقای بنی صدر و دخترش بکلی از آن ها جدا شدند.. و از این سو هم اتهامات عجیب و غریبی نصیب آقای بنی صدر گردید و نشریات سازمان، با ادبیات ویژه خود آنچه را که می توانستند نثار آقای بنی صدر کردند.

**روند پیوستن منافقین به بنی صدر و جدائی آنها از هم را چگونه ارزیابی می کنید؟**

من اشاره کردم که آقای بنی صدر مدعی بود که دارای آگاهی از صد و بیست علم است و خود را آندیشه بزرگ قرن می نامید ولی در علم سیاست حداقل این را نمی دانست که یک سیاستمدار نباید دنبال دشمن تراشی باشد بلکه باید سعی کند برای خود دوست بیابد و با تواضع و فروتنی به دنبال دوستان جدید باشد ولی متأسفانه او همانند دوران اقامت در خارج، توان دوست یابی نداشت، البته برای اشباع خصلت منفی کیش شخصیتی که قدرت طلبی بی نهایت در آن آشکار بود، او می بایست با کسانی پیوند دوستی برقرار می نمود که فکر می کرد قدرتمند هستند و می توانند در اهداف قدرت مطلقه خواهی، او را یاری دهند.

پیوستن او به سازمان منافقین از همین نقطه روانی نشأت می گرفت. او در ایران، با ملاحظه میلیتاریستی سازمان، تصور کرد که این ها در جمع آوری نیرو و سازماندهی توده ها، توانمند هستند؛ آن ها عملاً می توانند تا او را در به قدرت کامل رسیدن، یاری دهند! در حالیکه اگر چنین هم می شد سازمان اول خود او را حذف می کرد، کما اینکه در پاریس چنین کردند! و بهر حال این پیوند نشان از اوج بی تقوایی داشت و او که همه مخالفین خود را به نداشتن تخصص و تعهد متهم می کرد تا خود با ۱۲۰۰ علم! اندیشمند بزرگ باشد، با این اقدام خود نشان داد که خود او نه تخصص دارد و نه تعهد!

پیوند سازمان با آقای بنی صدر در واقع یک پیوند تاکتیکی بود. و این ریشه در تئوری اندیشه سازمان داشت که به جای اقدام به خاطر خدا و برای ادای تکلیف، همواره به عمل برای پیروز شدن، ولو به هر قیمتی، فکر می کردند که این خود ریشه در تفکر مارکسیستی دارد که همیشه حقیقت را مساوی با قدرت می داند. مارکس در این باره به صراحت می گوید: ما حقیقت خود را باید در خارج و در مسند قدرت به دیگران نشان دهیم نه در درون و در بحث های فلسفی.. که در واقع یک اندیشه



آیت الله امامی کاشانی:

## کسی حق ندارد به یک مجرم سیلی بزند

هستند، بر این نکته تاکید کرده‌اند که فهم نقطه‌ای اعتدال مشکل است و باید آن را رعایت کرد.

وی اظهار کرد: هر چه در حرف‌ها و نوشته‌ها افراط و تفریط باشد، فساد می‌آورد و خراب می‌کند. دستگاه قضا هم باید همین‌طور باشد و ما نیز چنین باشیم.

آیت الله امامی کاشانی همچنین به بحث بیداری اسلامی در کشورهای منطقه اشاره و خاطر نشان کرد: باید در جامعه عدالت باشد تا جامعه آرام گیرد. اگر عدالت نباشد این سرکوب‌ها و این جریاناتی که در بحرین، یمن و ... وجود دارد، جز خسارت دیکتاتورها چیز دیگری اضافه نمی‌کند و کارنامه‌شان را سیاه‌تر خواهد کرد. با توجه به شعارهایی که به عنوان اسلام در این کشورها سر داده می‌شود، خدا به مردم آن‌ها یاری می‌کند و کارشان را پیش می‌برد و سرانجام این حرکت‌ها پیروزی خواهد بود.

عدالت را به پا کنیم. وقتی با متهم و مجرمی روبرو می‌شویم، باید بدانیم که مجرم در قانون کیفرش مشخص شده، پس چرا به آن سیلی می‌زنید و توهین می‌کنید. حق ندارید سیلی بزنید، توهین کنید و فحش دهید. اگر کسی چنین کند از عدالت بیرون است.

وی بایان این که باید روی مرز دین محکم بود، گفت: مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی که از طراحان و شخصیت‌های برجسته در فلسفه، کلام و حتی فقه و حدیث است، روایتی دارد بدین مضمون که صراط مستقیم از مو باریک‌تر و از شمشیر برنده‌تر و تیزتر است. همین نقطه اعتدال و بسیار مهم است.

خطیب موقت نماز جمعه این هفته تهران افزود: نباید به شعارها و اینکه آن و این چه می‌گویند، چه کسی توقع دارد و چه کسی توقع ندارد، توجه کرد، بلکه باید مرز اسلام، شرع و قانون در نظر گرفته شود. در همین راستا مرحوم ملا مهدی نراقی که ایشان نیز از شخصیت‌های برجسته اخلاق

خطیب موقت نماز جمعه تهران گفت: کسی حق ندارد به یک مجرم سیلی بزند، به او توهین کند و یا فحش دهد، چنین شخصی در صورت انجام این کارها از عدالت بیرون رفته است.

آیت الله امامی کاشانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران ضمن اشاره به سالگرد شهادت شهدای هفتم تیر و هفته قوه قضائیه گفت: قوه قضائیه پشتیبان نظام و حقوق جامعه است و باید به آن اهمیت داد.

وی با مورد توجه قرار دادن بحث اعتدال گفت: باید اعتدال را در نظر گرفت و این موضوع باید در همه‌ی امور باشد. نقطه‌ی اعتدال، نقطه‌ی مهمی است و در آن استقامت وجود دارد. انسانی که معتدل است در عدل استقامت می‌کند.

وی با تاکید بر این که نباید مخالفت با شخصی در قضا، اظهار نظر، حکم، نوشته و یا مقاله‌ای اثر بگذارد، اظهار کرد: باید

### مدیر انجمن ادیان و مذاهب حوزه:

## تقویت انجمن‌های علمی مسیر تحول در حوزه‌ها را هموار می‌کند

ادیان و مذاهب اسلامی حوزه در عرصه تدوین کتاب‌های آموزشی حوزه اشاره کرد افزود: کتاب‌های ادیان ابراهیمی، ادیان شرقی، مذاهب اهل تسنن و مذاهب شیعی، کتاب‌هایی است که از سوی انجمن ادیان و مذاهب اسلامی حوزه در راستای تأمین کتاب‌های آموزشی حوزه منتشر شده است.

وی به تبیین دیگر طرح‌های این انجمن در عرصه تدوین کتب آموزشی پرداخت و گفت: انجام طرح ممیزی علوم ادیان و مذاهب و نیازسنجی علوم ادیان و مذاهب به پایان رسیده است و طرح‌های ممیزی علوم عرفان‌های اسلامی و طرح شیعه‌شناسی نیز در دست اقدام است.

مسئول انجمن ادیان و مذاهب حوزه، انجام مطالعات میدانی را یکی از ویژگی‌های پژوهش‌های جامع معرفی کرد و گفت: انجمن ادیان و مذاهب حوزه، برای انجام پژوهش‌های جامع، گروه‌هایی از پژوهشگران عضو انجمن را به مناطق مختلف اعزام می‌کند که به صورت میدانی اطلاعاتی چون آثار تاریخی، اقلیت‌های مذهبی و... که مورد نیاز است را بررسی می‌کند.

### انتشار خبرنامه ادیان

وی خاطر نشان کرد: در کنار این نشریه تخصصی، خبرنامه انجمن ادیان و مذاهب حوزه نیز منتشر می‌شود که در آن اخبار نشست‌های علمی و جلسات نقد کتاب‌ها، اخبار ادیان و مذاهب در سراسر جهان و... آورده می‌شود.

مسئول انجمن ادیان و مذاهب حوزه همچنین، درباره برنامه‌های آینده این انجمن گفت: انجام طرح‌های علمی و پژوهشی جدید، برگزاری نشست‌های ماهانه و برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی از جمله برنامه‌هایی است که مورد پژوهش قرار خواهد گرفت.

انجمن خاطر نشان کرد: این اعضا دارای تحصیلات و تخصص کافی در عرصه ادیان و مذاهب اسلامی دارند و آثار و فعالیت‌های ارزشمندی را در این عرصه انجام داده‌اند؛ همچنین در کنار این تعداد، ۱۰۰ نفر نیز به صورت عضو وابسته هستند.

وی در ادامه به تبیین اهداف و برنامه‌های انجمن ادیان و مذاهب اسلامی پرداخت و ایجاد تعامل میان پژوهشگران در رشته‌های مختلف را یکی از اهداف محوری این انجمن معرفی کرد و گفت: برای تحقق یافتن این هدف، برگزاری نشست‌های علمی مشترک، هم‌اندیشی‌ها و گردهمایی‌ها که متخصصان یک رشته علمی حضور دارند، عرصه مناسبی برای تبادل افکار و تمرینی برای احیای فرهنگ مباحثه است.

مسئول انجمن ادیان و مذاهب حوزه، برگزاری و مشارکت در برگزاری نشست‌های علمی در سطح کنگره و سمینار را از دیگر اقدامات این انجمن معرفی و بیان کرد: کنگره احیای سنت گفت‌وگو در ادیان و مذاهب، از جمله این نشست‌های علمی بود که مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در این کنگره به صورت کتاب چاپ و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت.

وی به دیگر نشست‌های انجام شده از سوی انجمن ادیان و مذاهب پرداخت و گفت: برگزاری نشست جایگاه اعیاد در ادیان، با حضور کارشناسان فرق و ادیان مختلف، نشست‌های نقد کتاب و برگزاری نشست‌های ماهانه بر اساس مسائل روز ادیان و مذاهب در سراسر جهان با حضور کارشناسان آگاه، از دیگر فعالیت‌های انجام شده توسط این انجمن می‌باشد.

تدوین کتاب‌های آموزشی ادیان و مذاهب

صاحبی همچنین به فعالیت انجمن

انجمن‌های علمی حوزه، محلی برای ساماندهی تخصص‌های حوزوی است، که در این راستا بیش از ۱۴۰ پژوهشگر به صورت پیوسته و ناپیوسته مشغول فعالیت‌های پژوهشی هستند.

دکتر محمد جواد صاحبی در گفت‌وگو با مرکز خبر حوزه با بیان این مطلب گفت: انجمن‌های علمی حوزه، برکات ارزشمندی در عرصه تولید و ترویج دانش‌های دینی خواهد داشت و تقویت آنان مسیر را برای تحول در حوزه فراهم می‌کند.

### اهداف انجمن ادیان و مذاهب

وی با بیان این که یکی از اهداف مطالعات درباره ادیان و مذاهب برای ایجاد ارتباط و تعامل میان ادیان و مذاهب است، گفت: ما در اصل دین با تمامی ادیان و مذاهب مشترک هستیم و زمانی که اصل دین مورد هجوم قرار گیرد، می‌توانیم با تکیه بر آنها، از دین دفاع نماییم.

مسئول انجمن ادیان و مذاهب حوزه نقد و ردّ را از دیگر اهداف مطالعات ادیان و مذاهب معرفی و ابراز کرد: برای این که بتوانیم در این عرصه وارد شویم، باید اطلاعات دقیق و سنجیده‌ای نسبت به ادیان و مذاهب داشته باشیم؛ اگر بخواهیم ادیان و مذاهب را نقد یا ردّ کنیم و به پرسش‌ها و شبهات در این عرصه پاسخ دهیم، باید عالمانه و محققانه وارد شویم.

وی ادامه داد: انجمن ادیان و مذاهب حوزه محلی است که می‌تواند آگاهی طلاب را در این زمینه افزایش دهد و آنها را برای ایجاد تعامل، نقد ادیان و مذاهب و پاسخ‌گویی به شبهات این عرصه تقویت نماید.

فعالیت یکصد و چهل محقق و پژوهشگر در عرصه ادیان

دکتر صاحبی با اشاره به عضویت ۴۰ پژوهشگر به عنوان عضو پیوسته در این

کاملاً دنیوی و منهای معنویت است... و مفهوم آن اینست که اگر کسی پیروز نشد و به قدرت نرسید، او "حق" نیست! یعنی پیروزی ظاهری و رسیدن به قدرت، عین حقانیت است و اگر اندیشه‌ای و گروهی به قدرت نرسیدند این علامت بطلان آنست! در حالیکه از نظر اسلامی، عمل به خاطر ادای تکلیف خود ارزشی است والا، حتی اگر به نتیجه نهائی نرسد... و این درست برعکس اندیشه مادی است...

بهرحال این پیوند چون بر مبنای صحیحی استوار نبود و فقط به دنبال کسب قدرت بود، به نتیجه مثبتی نرسید و چون قدرت مورد نظر به دست نیامد، به ناچار سازمان به سوی صدام رفت و با طارق عزیز قرارداد همکاری بست و بنی صدر را تنها گذاشت... و هر دو در واقع "خسر الدنیا و الآخرة" شدند...

### وضعیت فعلی بنی صدر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آقای بنی صدر در واقع گول قدرت نمائی ملی گراها و مجاهدین را خورد و بار شکست قاطع در داخل ایران روبرو شد... و سپس در خارج با آنها به همکاری ادامه داد... اما روزی که مسعود رجوی با طارق عزیز، قرارداد امضا کردند و او را که گویا مسئول مقاومت بود عملاً کنار گذاشتند، وی از سازمان و مقاومت طرد شد و با طلاق دخترش توسط رجوی، صیغه طلاق با بنی صدر بین او و سازمان هم اجرا شد و بعد از آن او سعی کرد که با ادامه دادن به نشر هفته نامه انقلاب اسلامی در هجرت! به حیات سیاسی خود ادامه دهد اما دیگر خیلی دیر شده بود و در اطراف او جز چند نفر از دوستان قدیمی مانند آقای احمد سلامتیان کسی باقی نماند... و او در واقع بکلی بایکوت گردید و به بایگانی تاریخ سپرده شد...

اما باز برای اظهار وجود گاهی با ماهواره های فارسی آمریکا و انگلیس، به مصاحبه می پردازد و من چند نمونه آنها را ناظر بودم و کاملاً عوارض کهولت سن در تحلیل و سخن گفتن او آشکار بود و حتی در بیان مطالب هم دچار لکنت زبان و تکرار بی دلیل می شد...

آقای بنی صدر البته از مدت ها پیش به پایان کار رسیده بود و این نوع اظهار وجودها هم مشکلی را حل نمی کند. چون وقتی انسان به بیماری سخت روانی "شیفتگی" و "خود بزرگ بینی" مبتلا باشد و در طول زمان و مرور عمر نتواند آن را معالجه کند، سرانجام با سلطه آن بیماری بر روح و روان و جسم و جان، او را با شکست قطعی روبرو خواهد ساخت و حتی جسم او را متلاشی خواهد نمود.

آقای بنی صدر از پله های خود بزرگ بینی و اندیشه بزرگ قرن بودن و ۱۲۰ نوع علم داشتن بالا رفت و هنگامی که از آن بالا سقوط کرد به پایین افتاد و دیگر برای همیشه از بین رفت.

مولانا در یک شعر جالب در این رابطه می گوید:

نردبان خلق این ما و من است

عاقبت زین نردبان افتادن است

هر که بالاتر رود، ابله تر است

استخوان او بتر خواهد شکست

### خاطره خاصی از بنی صدر ندارید؟

خاطره که شاید زیاد باشد و در این مختصر به یک خاطره اشاره می کنم که نشان دهنده چگونگی اخلاق وی می تواند باشد.

در جریان جشن پانزدهمین قرن بعثت پیامبر اکرم(ص) که در همان اوائل پیروزی انقلاب و پس از پایان انتخابات ریاست جمهوری در تهران برگزار شد از دهها نفر از کشورهای مختلف دنیا، برای شرکت در آن جشن ها دعوت به عمل آمده بود که بنده به عنوان نماینده حضرت امام(قدس سره) در وزارت ارشاد، و به علت ارتباطات و آشنائی قبلی با رهبری حرکت های اسلامی معاصر، نقش خاصی در آن دعوت ها و اداره جلسات آن داشتم...

امام خمینی(ره) به علت کسالت در بیمارستان بستری بودند... مراسم دیدار گروهی از میهمانان خارجی و مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای بنی صدر در همانجا برگزار گردید... و امام به زحمت به سالن اجتماعات آمدند... و پس از سخنان کوتاهی، حکم را به آقای بنی صدر دادند و بنی صدر خم شد و دست امام را بوسید که من خود شاهد و ناظر بودم و عکس های مربوطه هم - که بنده در طرف راست و آقای بنی صدر در طرف دیگر در کنار خلخالی ایستاده است، صحت امر را نشان می هد. اما وقتی در خارج از او پرسیدند که اگر امام خمینی اینطور بوده که الآن می گویی و مدعی هستی که از قبل هم شناخت داشتی، چرا دست او را بوسیدی؟ آقای بنی صدر در پاسخ گفت: این از همان دروغ های ملاتاریا است. من هرگز دست او را نبوسیده ام!

اینک با ارائه دو سه نمونه از عکس های آن برنامه ها و دستبوسی آقای بنی صدر، باید پرسید که "ملاتاریا" دروغ می گوید یا آنتلکول تاریا؟ ظاهراً در اندیشه های توتالیتری! جعل خبر و نشر کذب و زدن تهمت و دیگر رذائل اخلاقی، مباح و مجاز است! خاطرات دیگری هم از برگزاری این مراسم پرشکوه و شرکت و سخنرانی آقای بنی صدر هست که انشاءالله در فرصت دیگر...

### توضیح:

بخش پایانی مقاله «طرح حکومت اسلامی در اندیشه امام خمینی و سید قطب» بعلت کمبود جا در شماره آینده به چاپ خواهد رسید.

دکتر خرازی:

## هویت ملی و ارزش های دینی، ذات نهضت های منطقه است



دکتر سید محمدصادق خرازی در نشست دیپلماسی ایرانی با تأکید بر دو عنصر هویت ملی و ارزش های دینی در ذات و روح مبارزات و نهضت های خاورمیانه گفت: اگر چه اینک ماهیت مبارزات مردم جنبه ضد استبدادی دارد، ولی در درون این واقعیت هویت دینی تأثیرگذار است و به هنگام نقد کردن و فعالیت های دموکراتیک در درون هر کشوری با پدیده های اسلام خواهی و استعمار زدایی روبه رو خواهند شد.

صادق خرازی تأکید کرد: سه کشور تأثیرگذار در خاورمیانه ایران، ترکیه و مصر خواهند بود و مصر با بازخوانی و باز تعریف موقعیت ژئوپولیتیک خود دوران سرخوردگی های تاریخی را سپری کرده و با احراز هویت سیاسی اجتماعی و تاریخی از جمله ممالک مهم دنیای عرب و اسلام خواهد بود که به تولید ادبیات سیاسی و منطقه ای دنیای عرب خواهد پرداخت.

دکتر خرازی گفت: سیاست های ایالات متحده آمریکا فاقد الگوی واحد در همه کشورهاست. آنچه تاکنون رخ داده نشان داده است که ایالات متحده در مواجهه با بحران، مدیریت محدودی داشته و نتوانسته است سیاست حل و فصلی را ارائه دهد به همین جهت اشتباهات و تناقض های فاحشی در عملکرد و رویکرد ایالات متحده دیده می شود. آمریکا فاقد تحلیل واقع بینانه از درک مفهوم مبارزات ضد استبدادی مردم منطقه است.

وی گفت: چارچوب های رفتاری آمریکا با تسلط سنتی بر خاورمیانه دیگر کارایی نخواهد داشت. وی تأکید کرد: از روح و ذات همه این تغییرات مردم و کشورهای خاورمیانه که خواهان تحول دموکراتیک در جهان اسلام هستند، بهره مند خواهند شد و سه الگوی مهم این کشورها ایران، ترکیه و مصر هستند.

خرازی تأکید کرد: چگونه ایالات متحده با تناقض های آشکار در سیاست خود در عربستان، یمن، بحرین، لیبی، تونس، مصر و سوریه خواهان تبیین الگوهای جدید دموکراتیک است؟ وی با اشاره به این که مردم مهمترین عامل تغییر در خاورمیانه هستند و موضوع هویت اسلامی و استقلال و ناسیونالیسم واقع گرا اساسی ترین بخش تشخیص این نهضت ها است، افزود: خاورمیانه گرفتار تدبیرهای برون منطقه ای است و این تدبیرها از جانب صاحب نظران بنام منطقه، تهدیدات روند دموکراسی خواهی به شمار می رود.

صادق خرازی آینده عربستان را پس از ملک عبدالله مبهم خواند و این که نبود شیوه دموکراتیک و نقد استراتژی متغیر سیاسی در عربستان سعودی این کشور را زادگاه و اردوگاه آینده رادیکالیسم و تروریسم خواهد کرد، گفت:

نایف و بندر بن سلطان با مدیریت امنیتی گروه های القاعده در بیرون از عربستان و نهضت های سلفی به پمپاژ تروریسم و آشوب و وحشت در بیرون عربستان مبادرت ورزیده اند تا در توافقی نانوخته به هدایت خشونت در بیرون از مرزهای عربستان مبادرت ورزند.

وی با اعلام این که در ترسیم وضع موجود و عملکرد آمریکا با پدیده های مردمی در دنیای اسلام و عرب، آمریکا گرفتار خطای استراتژیک و بحران های تاکتیکی شد. همان گونه که در تشخیص انقلاب اسلامی در ایران گرفتار تحلیل اشتباه شد، گفت: ایران برخوردار از مهمترین ظرفیت های مردمی است. آمریکا نتوانست با ایران اعتماد سازی کند و به دلیل همین تنظیم نشدن مناسبات هزینه های زیادی را متقبل شده است،

بنابراین مهمترین دموکراسی جهان برای منافع خود در کنار استبدادی ترین رژیم های سیاسی ایستاده است. مواقعی که در سید زمان، چیستی و چرایی آن با راستی آزمایی تحلیل شود آن ها به خطای استراتژیک کشورهای بیرون منطقه پی خواهند برد.

وی با اعلام این که عربستان سعودی و اسرائیل در این شرایط مهمترین بازنده تحولات منطقه خواهند بود، اضافه کرد: عربستان با پمپاژ پول و بهره گیری از نقش لابی در سیستم سیاسی و امنیتی آمریکا، آدرس غلط به این کشور و دیگر غربی ها می دهد و عربستان با بازی خطرناک از نقد دولت فعال در مصر، به دنبال تهدید امنیت برخی از کشورها است اما در نهایت بازنده اصلی عربستان و اسرائیل خواهند بود.

دکتر خرازی با تأکید بر این مطلب که فهم سیاست های آمریکا در منطقه بایست با در نظر گرفتن خاورمیانه ای باشد که اینک بیست و دو کشور عرب و سه کشور غیر عرب در دو منطقه خلیج فارس و مدیترانه در آن نقش آفرین هستند، افزود: نخبگان آمریکا گرفتار تشخیص سنتی از حفظ قدرت خود در منطقه خاورمیانه هستند و نتوانسته اند با هویت های جدید تأثیر گذار در منطقه مانند ترکیه جدید، ایران و نسل جدید نخبگان خاورمیانه ارتباط برقرار کنند. البته ایران هم می توانست با بهره گیری از فرصت ها هم چون تجربه افغانستان و عراق در همکاری حداقل تاکتیکی مؤثر باشد.

وی فتح کابل و فتح بغداد را با درک موقعیت ایران از جانب ایالات متحده مهمترین تجربه آمریکا پس از قطع مناسبات دو کشور دانست و گفت: اینک جمهوری سناتورها که در رأس قدرت تصمیم گیری هستند، با تغییر رفتار در قبال ایران، با اعتماد سازی با کانون قدرت در ایران، یعنی نهاد رهبری شانس بزرگی در بدست آوردن فرصت ها خواهند داشت.

دکتر خرازی با اشاره به این که چارچوب های رفتاری ثبات محور از جانب ایالات متحده اصالتاً نمی تواند الگوی پایدار باشد و تحولات منطقه اولویت های امنیتی را تغییر داده و خواهد داد. دیگر برای اسرائیل موضوعیت انرژی و نگاه سنتی به حفظ رژیم های فرسوده فاقد اولویت خواهند شد، اضافه کرد: روند تحولات چنان سرعتی خواهد داشت که منافع آنان را باز تعریف خواهند کرد. تصور قدرت ه ژئومونی جهانی ایالات متحده و با رفتار های مدیریت محور، مشخص و معلوم نیست که قادر به حل مسائل باشند.

وی تفکر هژمونی غربی بویژه ایالات متحده را مشحون از تناقض ها در نگرش ها و عملکردها دانست که به دلیل فقد مناسبات با ایران منافع استراتژیک آمریکا با طراز بحران همراه است، افزود: اندیشه و تفکر دموکراتیک را با موج سواری سیاسی نمی توان همراه کرد به طوری که تا دو هفته قبل از سقوط مبارک ایالات متحده در یک روز سه سیاست و پالیسی مختلف می فرستاد و عربستان و اسرائیل تا لحظات آخر سعی در حفظ مبارک داشتند. اما واقعیت و سرعت تحولات، روند تصمیم سازی آمریکا را دگرگون کرد. اگر آمریکا با رویکردی واقعیت محور با پدیده حرکت های مردمی رفتار کند و از سیاست منافع محور، فعلاً اجتناب کند بی شک در اعتماد سازی با فرادای منطقه موفق تر خواهد شد.

وی سخنان خود را با تأکید بر ایجاد تغییر در ساختار داخلی ممالک به پایان رساند و تأکید کرد که سیاست خارجی فعال و پویای ایران می تواند در این مقطع بیشترین منافع را به اسم خود سند بزند.

کارشناس مسائل خاورمیانه:

## دیکتاتورهای خاورمیانه

### مهره های سوخته آمریکا هستند

نعیمی یکی از کارشناسان مسائل خاورمیانه با اشاره به حکومت صدام، حسنی مبارک و قذافی گفت: صدام مهمترین حامی آمریکا و عامل جنایت های این کشور در خاورمیانه بود که پس از وی مبارک یقیناً در رتبه دوم قرار می گیرد. صدام صهیونیستی و آمریکا بر علیه ملت های مسلمان محسوب می شد در حال حاضر نیز قذافی سرسپرده بزرگ آمریکا مورد غضب غرب واقع شده ولی نکته مهم این است که آمریکا دیکتاتورهای متولد شده خود را فقط برای دستیابی به منافع و تا زمان رسیدن به تاریخ مصرفشان نگاه داشت.

مصیب نعیمی در گفت و گو با خبرنگاری تنه، در خصوص جمع آوری مدارک توسط بازرسان جنایات جنگی سازمان ملل برای اقامه دعوی علیه قذافی اظهار داشت: هنگامی که سیاست آمریکا بر پایه هیچ مبنا و ارزشی نبوده و بر طبق منفعت طلبی می چرخد کاملاً بدیهی است که آمریکا دیکتاتورهای متولد کرده خود را در خاورمیانه پس از سپری شدن تاریخ مصرف آنها به دور بیاندازد.

### دیکتاتورهای خاورمیانه مهره های سوخته آمریکا

وی با اشاره به حکومت سرسپرده صدام تصریح کرد: صدام به عنوان مهمترین حامی آمریکا در خاورمیانه به شمار می رفت و فجیع ترین جنایت های آمریکا در ایران و دیگر کشورها به دست صدام انجام می شد ولی پس از این که دیگر فایده ای برای آمریکا نداشت به آن شکل از بین رفت ولی مبارک در مصر به گونه ای دیگر جای این دیکتاتور را گرفت و به طور کامل آشکار به آمریکا و رژیم صهیونیستی برای نیل به مقاصد شومشان کمک می کرد.

این کارشناس مسائل خاورمیانه با بیان این که قذافی به عنوان یکی از سرسپردگان آمریکا تجهیزات مهمی را در اختیار آمریکا قرار داده است گفت: منبع عظیم نفتی در لیبی و طمع آمریکا برای دستیابی به این منبع طبیعی سبب شد که آمریکا به مقابله با این مهره سوخته خود پرداخته و وی را به عنوان جنایتکار جنگی معرفی کند.

### استفاده ابزاری آمریکا از حقوق بشر

وی با تأکید بر این که استراتژی آمریکا در خاورمیانه جز ایجاد رعب و وحشت چیزی ندارد اظهار داشت: آمریکا در خاورمیانه از مسئله دفاع از حقوق بشر تنها به عنوان یک ابزار استفاده می کند و برای حقوق انسان ها در کشورهای اسلامی هیچ ارزشی قائل نیست.

### رژیم صهیونیستی حلقه اول حاکمیت آمریکا

نعیمی رژیم صهیونیستی را حلقه اول حاکمیت در آمریکا معرفی کرد و خاطر نشان ساخت: به جز رژیم صهیونیستی دیگر کشورها دوستان و دشمنانی کوتاه مدت برای آمریکا هستند و در دیپلماسی آمریکایی جمله معروفی است که می گوید هیچ کشوری دوست و یا دشمن دائمی نیست و آنچه دائمی است منافع ماست.

### نفت لیبی انگیزه آمریکا برای جنگ با قذافی

وی کمک گرفتن قذافی از دول یونان و بلغارستان را بی فایده خواند و گفت: در نبرد میان آمریکا و قذافی قطعاً این دیکتاتور بازنده خواهد شد حتی مردم این کشور نیز پیروز نمی شوند زیرا برخلاف سناریو طراحی شده آمریکا برای ایجاد دموکراسی در این کشور آمریکا تنها به دنبال منابع عظیم نفتی لیبی است. این کارشناس خاورمیانه ادامه داد: آمریکا به دنبال این است تا با تخریب لیبی، نقش بازسازی کننده این کشور را به عهده گیرد تا بدین واسطه به نفت برسد و قطعاً در این میان اگر مردم انتخابات را انجام دهند آنقدر به ایجاد ناامنی می پردازد که مردم از برقراری دموکراسی در کشور خود پشیمان شوند.

### اسلام ستیزی آمریکا در خاورمیانه

وی با تأکید بر این که قذافی باید متوجه شود که لیبی برای آمریکا عزیزتر از عراق نیست گفت: در حال حاضر سیاست آمریکا اسلام ستیزی در منطقه خاورمیانه است و ناتو نیز اعتقاد دارد که حاکمان کشورهای اسلامی صلاحیت اداره کشور خود را ندارند به همین دلیل اگر کشوری احساس استقلال کند قطعاً با توطئه ای صدای اعتراضات ضد آمریکایی را خاموش می کنند همانند وضعیتی که در سوریه حاکم است.

## هانری کربن و حکمت اسلامی

نویسنده: انشاءالله رحمتی



یک پروژه منسجم پیش نرفته است. به اعتقاد صاحب این قلم یک پروژه منسجم برای شناخت هانری کربن، باید با ترجمه آثار وی آغاز شود تا بتوان گام‌های بعدی را استوارتر برداشت.

ولی در مقام ترجمه آثار کربن، باید توجه داشت که نمی‌توان اندیشه کربن را جدای از متون و شخصیت‌هایی که در جهت احیایشان کوشیده است، در نظر گرفت. برای مثال بدون مراجعه به سهروردی و خواندن متون خود وی و شارحانش درک سخنان کربن درباره وی میسر نمی‌شود. این بدان معنا نیست که خود کربن سخن تازه ندارد، بلکه باید توجه داشت که تفسیر کربن از عبارات حکیمان و عارفان ما هرچند بدون مراجعه به خود آن عبارات قابل فهم نیست، ولی چندان بدیع و حتی گاهی خارق اجماع است که فقط پس از تامل بسیار می‌توان دریافت که سخن کربن تفسیر عبارتی است که ممکن است ما خود بارها آن را خوانده باشیم و هرگز به چنین نکته‌ای در آن تفتن نیافته باشیم. (از این جهت می‌توان رویکرد کربن را به رویکرد مارتین هایدگر در ترجمه و تفسیر عبارات فیلسوفان پیش سقراطی مقایسه کرد.) البته در صورت چنین برخوردی با آثار کربن، بر مبنای تجربه او راه برای تفسیرهای تازه و امروزی از سخنان حکیمان ما باز می‌شود و می‌توان از دست شرح و تفسیرهای تکراری و یکنواخت آن متون خلاص شد. (شرح و تفسیرهای یکنواخت، هرچند نمی‌خواهم قدرناشناسانه اهمیت شان را منکر شوم، ولی این شائبه را پیش می‌آورند که گویی در حکمت اسلامی با راه فرو بسته‌ای روبه رویم و دیگر نوآوری در این مسیر امکان‌پذیر نیست.)

عنوان پیشگفتار مترجم بدان افزوده است. مضمون اصلی این اثر تاویل روحانی عبادت و معبد یا همان کشف اسرار عبادت است. کربن در این اثر تاویل روحانی عبادت و معبد را مبنایی برای معنا بخشیدن به زندگی آدمی و دستیابی وی به ساحات وجودی ژرف تر خویش قرار داده است. کتاب معبد و مکاشفه از سه فصل با نام‌های معبد صائبین و مذهب اسماعیلیه، تصویر خانه کعبه به منزله اسرار حیات معنوی بر اساس اثری از قاضی سعید قمی، مثال معبد در مواجهه با معیارهای ناسوتی تشکیل شده است.

### واقع انگاری رنگ‌ها و علم میزان

هانری کربن

ترجمه: انشاءالله رحمتی

ناشر: سوفیا

چاپ اول: ۱۳۸۹

۷۵۰۰ تومان

این اثر ترجمه دو جستار از هانری کربن است همراه با بخشی که مترجم به آن افزوده است. این جستارها پس از مرگ کربن همراه با سه جستار دیگر در کتابی با عنوان معبد و مکاشفه منتشر شده است. موضوع اصلی این دو جستار را می‌توان تاویل دانست، خواه تاویل متن باشد و خواه تاویل اعداد باشد و خواه تاویل الوان. مضمونی که در این دو جستار به رشته تحریر درآمده، مضمون تاویل روحانی است. البته نه فقط کتب آسمانی، بلکه مظاهر آفاقی و انفسی حضرت حق موجبات چنین تاویلی را فراهم می‌سازد. این اثر را می‌توان شرحی بر ژرف اندیشی‌های تاویلی حکیمان امروزی دانست.

است. از فضای روزگار یا بهتر بگویم برطبق مشیت خداوندی، هانری کربن، فیلسوف فرانسوی، از ژرف اندیشان معاصر که به لحاظ فرهنگی و جغرافیایی قربت چندانی هم با فرهنگ ما نداشت، مسحور و مفتون حکمت و معنویت ما شده است. این شخصیت که به نوعی همه حیات علمی خویش را مصروف معنویت اسلامی داشت و ارتباطی وجودی با آن برقرار کرد؛ چندان که می‌توان گفت او صرفاً به خواندن و ترجمه، تصحیح و تفسیر متون حکمت ما اکتفا نکرده است، بلکه به راستی خود یافته‌های حکیمان ما را آزموده و تجربه آنها را زیسته است. در میان مستشرقان بسیار کم‌اند افرادی که پیوندی چنین ژرف با سنت معنوی ما برقرار کرده باشند. در بحث از حکیمان و عارفان مسلمانی چون سهروردی، ابن عربی، سید حیدر آملی، قاضی سعید قمی، ملاصدرای شیرازی، روزبهان بقلی و... چنان سرمست و شیدا است که گویی عنان قلم از دستش رها شده است. چنان شورمندانه درباره زوایای اندیشه این بزرگان قلم می‌زند که نمونه اش در میان معاصران خودمان نیز کمتر دیده می‌شود. بنابراین اگر برای فهم درخور وضعیت کنونی فرهنگ ایرانی و اسلامی بی‌نیاز از فهم ابعاد فکری، معنوی و حکمی سنت تاریخی ما نیستیم، نمی‌توانیم از بررسی تجربه امروزی کسی چون هانری کربن و تلاش‌های خستگی ناپذیرانه و ستایش برانگیز وی بی‌نیاز باشیم. طریق عقل نیست که تفسیر و تجربه کربن از حکمت و معنویت ایرانی - اسلامی را مطلق کنیم و آن را کلام آخر بدانیم، ولی برای فراتر رفتن از او و ارایه دادن تفسیرها و تجربه‌های بدیل، ابتدا باید او را و تجربه او را فهم کرده باشیم. تصور می‌کنم جامعه فرهنگی و فلسفی ما از همان ابتدای کار کربن و در زمان حیات خود او به اهمیت تحقیقات وی کمابیش واقف بوده است. همکاری تنی چند از بزرگان علمی معاصر با وی و ترجمه‌های گسترده‌ای که در همان سال‌های نخست از برخی سخنرانی‌ها و مقالات وی منتشر شده است، گواه بر این مدعاست. ولی شناخت کربن تا به حال به صورت

قطعا هر تلاشی برای فهم موقعیت کشور ما در دنیای کنونی، ناگزیر باید گذشته تاریخی ما را نیز منظور نظر داشته باشد. هیچ فرد ایرانی اندیشمندی نیست که آن گذشته را قابل افتخار نداند و در حقیقت همه تلاش‌های سده اخیر برای پیشرفت و تعالی این سرزمین به نوعی در پی احیای موقعیت ممتاز ایران در گذشته بوده‌اند. اگر برای آن گذشته افتخار آمیز ابعادی چون ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و... در نظر بگیریم، یکی از آن ابعاد که حتی پررنگ‌تر از سایرین جلوه می‌کند، بعد معنوی و حکمی آن است. چیزی که از گذشته تاریخی ما برای بسیاری از محققان غرب و شرق جاذبه دارد و این محققان آموزنده اش می‌دانند چندان که حاضر بوده‌اند و کماکان حاضرند همه حیات علمی خویش را مصروف آن دارند، همین بعد از فرهنگ ماست و اگر این معارف برای محققان غیرایرانی چنین جاذبه درخور دارد، علی‌القاعده باید برای خود ما که میراث داران اصلی اش هستیم، جاذبه و تأثیری صد چندان داشته باشد. معارف حکمی و معنوی ما صرف یکی از ابعاد تمدن تاریخی ما در عرض سایر ابعاد آن نیست، بلکه اساس پایگاه و خاستگاه همه آنهاست. آنچه در ادب، سیاست، جامعه، هنر و صناعت گذشته نمود یافته است، اساساً یکی از همین ارزش‌های جاودانه است. کیست که تصدیق نکند که عمده شاهکارهای جاودانه ادبیات فارسی از سرچشمه حکمت معنوی این دیار سیراب شده‌اند و در اصل عمده محتویات و مضامین شان همان قضایا و قواعدی است که ابتدا در مشاهدات و مکاشفات حکیمانه دریافت و در بوته بحث و استدلال منطقی آزموده شده و در نهایت به جامعه شعر و ادب آراسته شده است و همین طور است در مورد هنرها و صنعتی که در دامن این تمدن پالیده‌اند در حوزه عمل که شامل تدبیر فرد، خانواده و جامعه می‌شود و حکمت عملی متولی بحث درباره اش بوده است، این معنا حتی عیان تر است، چرا که حکمت عملی خود ترجمان و تحقق همان حکمت و معنویت است که در نظر و قالب نظریه پردازی عرضه شده

## بهره برداری از بزرگترین کتابخانه جنوب شرق کشور در میبد



مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان یزد از افتتاح بزرگترین کتابخانه جنوب شرق کشور با حضور مسئولان کشوری همزمان با هفته دولت در شهرستان خبر داد.

سید محمد حسن اعلایی، مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان یزد، در اولین جلسه انجمن کتابخانه‌های عمومی شهرستان میبد، گفت: این کتابخانه بزرگترین کتابخانه جنوب شرق کشور است که در زمینی به مساحت پنج هزار و ۲۰۰ مترمربع و در سه طبقه ساخته شده است. وی افزود: بزرگترین کتابخانه جنوب شرق کشور با زیربنای چهار و ۲۰۰ مترمربع ساخته شده است که به طور

همزمان ظرفیت مطالعه یک هزار نفر را فراهم می‌آورد.

اعلایی تأکید کرد: این کتابخانه همزمان با هفته دولت باحضور مسئولان کشوری در شهرستان میبد به بهره برداری می‌رسد. مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان یزد اظهار داشت: این کتابخانه دارای دو مخزن ویژه کتاب‌های عمومی و مرجع، سالن کنفرانس و گالری می‌باشد که امکان برگزاری مسابقات و نمایشگاه‌های مختلف فرهنگی را فراهم می‌آورد.

اعلایی تصریح کرد: برای ساخت کتابخانه مرکزی شهرستان میبد، تاکنون بیش از ۴۰ میلیارد ریال از اعتبارات سفر مقام معظم رهبری به استان یزد و بودجه‌های ملی هزینه شده است.

تشکیل کمیته ویژه‌ای برای تصمیم‌گیری در خصوص تجهیز کتابخانه مرکزی، حمایت خیران شهرستان و تأمین هزینه‌های تجهیز این کتابخانه، جایجایی کتابخانه پارک فلسطین میبد، تشکیل انجمن خیرین کتابخانه‌ساز شهرستان و جلوگیری از

ساخت و سازهای نامتعارف در حاشیه کتابخانه مرکزی میبد از مسائلی بود که در این جلسه درخصوص آن بحث و تبادل نظر شد.

محمدرضا رجایی، فرماندار میبد، نیز اواخر فروردین در بازدید خبرنگاران از این کتابخانه، موزه، گالری، چهار سالن مطالعه گروهی و انفرادی ویژه آقایان و خواهان، سالن چندمنظوره، کلاس‌های آموزشی، سالن همایش و کنفرانس، بخش نابینایان، بخش ناشنوایان، اتاق نقد کتاب، اتاق سرور، گالری و اتاق کنترل را از جمله بخش‌های این کتابخانه عنوان کرد.

وی با اشاره به اینکه این کتابخانه در سه طبقه ساخته شده است، افزود: هر طبقه این کتابخانه دارای ۲ هزار متر مربع زیربنا است و دارای ۶۰۰ مترمربع مخزن باز و بسته می‌باشد.

فرماندار میبد، ظرفیت مخزن این کتابخانه را ۲۵۰ هزار جلد ذکر کرد و ادامه داد: شهرستان میبد دارای ۱۱ کتابخانه، ۶۰ هزار عنوان کتاب و ۱۰ هزار عضو فعال است.

## معرفی کتاب پرتو آفتاب



مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) از مجموعه 'یادها' کتاب 'پرتو آفتاب' (خاطرات حضرت آیت الله حاج شیخ علی عراقچی) را با تدوین عبدالرحیم ابادری به بازار نشر عرضه کرد.

در مقدمه این اثر آمده است: گروه تاریخ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) با اعتقاد به پایه‌گذاری تاریخ‌نویسی انقلاب اسلامی بر دیده‌ها و شنیده‌های واقعی حاضران و ناظرانی که بار عظیم انقلاب را بر جان خریدند، ضبط و ثبت خاطرات این تاریخ‌سازان را در شمار برنامه‌های اصلی خود گنجانده و بر آن است تا پس از تنظیم و تدوین آن‌ها، با رعایت اصول علمی و امانت‌داری و بدون هیچگونه داوری، خیل عظیم مخاطبان در زمان حال و آینده را از جزئیات این بخش از تاریخ ایران بهره‌مند گرداند.

آنچه پیش‌روست خاطرات آیت الله حاج شیخ علی عراقچی است که در خلال آن، ضمن مروری بر رخدادهای زندگی اجتماعی خود، از آشنایی خویش با امام خمینی در مقام یک طلبه و نیز وقایعی از انقلاب اسلامی سخن گفته است. ایشان علاوه بر بازگویی گوشه‌هایی از تاریخ فعالیت‌های علمی، دینی و سیاسی روحانیت معاصر، نکته‌هایی را بر زبان رانده که اختصاصی اوست و در جای دیگری نمی‌توان آنها را یافت. از این رو، چاپ و انتشار این اثر برای استفاده علاقه‌مندان و محققان مفید و مؤثر خواهد بود. این کتاب با تیراژ ۲۰۰۰ نسخه و بهای ۶۵۰۰ تومان عرضه شده است.

## نقد و بررسی کتاب خاطرات خانم طباطبایی، عروس امام خمینی (ره)

است اما در کل، برخی اغلاط موجود در کتاب تنها غلط چاپی است.

**جعفریان: نگارش های اینجینی در خانواده روحانیت بسیار کم است**  
حجت الاسلام جعفریان، رئیس کتابخانه مجلس هم که دیگر سخنران این نشست بود، اظهار داشت: نگارش هایی از این دست چندان زیاد نیست، مقصودم نگارش هایی است که از دل یک گروه و طیف که عنوان روحانی و مذهبی دارد، صادر می شود و اطلاعاتی را در اختیار دیگران قرار دهد که در داخل و بیرون این خانواده چه می گذرد، فراتر از آن، دیدگاه ها، مناظرات علمی و بحث ها و جدل ها، حساسیت ها و کارهای روزانه به ویژه بحث تربیت و آثار و نتایجی که بر خوردها داشته، میزان صداقتی که در این قشر خاص است را در برمی گیرد. وی ابراز داشت: نویسنده کتاب اقلیم خاطرات بخشی از حریم ها را طی کرده و پشت سر گذاشتند و تنها به عنوان یک پرسش مطرح می کنم که این مسیر را چگونه می توانیم ادامه دهیم و تا کجا می توان رفت؟ در دوره های گذشته، در فرهنگ گذشته، زنان همواره پس پرده بودند و مسائل خانوادگی نیز اینچنین بوده، در دنیای امروز که دنیای افشاست، اگر وارد این حریم های خصوصی شدیم تا کجا می توان ورود یافت؟

رئیس کتابخانه مجلس عنوان کرد: نگارنده اقلیم خاطرات هیچ ربایی در نوشته ندارد، خوشبختی این اثر در آن است که طباطبایی مورخ نیست، چرا که مورخ موارد را انتخاب می کند و همه مسائل را بیان نمی کند اما غیر مورخ برخی مطالب را از آن مطالب به دست می آوریم اما مورخ عواقب این مطالب را سنجیده و گزینش می کند، در حالی که غیر مورخ همه مطالب را بیان می کند.

سوال به جلد دوم این کتاب بازمی گردد، ما نیز مانند جامعه این سخن ها را شنیده ایم اما دلیل نمی شود فردی سالم باشد و اتفاقی برایش رخ ندهد، دلایل روشن را در جلد دوم خواهم نگاشت.

**خانم طباطبایی وعده داد: جلد دوم، کتاب ازدواج تا رحلت حاج احمد است، مقداری از آن پیاده شد، اما باید فرصت کنم با دست نوشته ها و دیگر مدارک تنظیم کنم اما نمی دانم چه زمانی شروع می کنم.**

**بهشتی سرشت: کتاب فقط غلط تایپی دارد**

محسن بهشتی سرشت، مدیر گروه تاریخ پژوهشکده امام خمینی (ره) نیز در این نشست گفت: اشکالی که در نگارش خاطره پس از سال ها پیش می آید، نسیان و فراموشی است، ممکن است برخی موارد فراموش شده باشد و اینکه ممکن است آفت متاثر بودن از شرایط موجود نصیب نویسنده شود، فضای موجود با فضایی که خاطره اتفاق افتاده کاملاً تفاوت دارد و ممکن است بسیاری از مسائلی که در آن زمان مهم بوده، بعدها اهمیت نداشته باشد یا بالعکس.

وی در ادامه درباره محتوای کتاب اقلیم خاطرات، ابراز داشت: در اثر بیان شده سال ۴۷ نخستین بار به اتفاق والدین به عراق رفتند و به کار آمدن حزب بعث با کودتا اشاره دارد که تنها اشاره شده اما مخاطب انتظار اطلاعات بیشتری با توجه به حضور در عراق دارد؛ برخی اشارات هم در این کتاب وجود دارد که اغراق گویی برخی مورخان است، مانند اینکه تعداد کشته های جنگ جهانی دوم که ۵۵ میلیون نبوده بلکه ۱۵ تا ۲۰ میلیون بوده



همراه بود و از وسواس و تغییر و تحولات من ابراز خستگی نکرد. وی تصریح کرد: این کتاب نه خاطرات صرف و نه تاریخ صرف است بلکه تلفیقی از هر دو است، برخی موارد را از افرادی شنیدم که هم برای من تیره بودند و هم قابل اعتماد چرا که می دانستم در جای دیگری نقل نخواهد شد چون من قصد نگارش کتاب تاریخ ندارم و نه افراد چنین کاری را خواهند کرد، نکاتی را که فکر می کردم ارزشمند هستند ذکر کردم تا در تاریخ بماند.

### جلد دوم هم در راه است

وی ادامه داد: احساس می کنم هر آنچه از حاج آقا مصطفی می دانستم بیان کردم، درباره وقایع پاریس اطلاعات مختصری داشتم شاید می توانستم کتاب های تاریخی و اسناد را بینم اما من می دانستم کتاب تاریخ نمی نویسم به همین خاطر مسئله ای که کمرنگ بوده و خودم خیلی نقش نداشتم دنبال آن نرفتم؛ شاید می شد مراجعه کنم و اسنادش را هم بیاورم اما احساس کردم خیلی دور از من است مثلاً درباره اختلاف فارسی با امام موسی صدر که مختصر نوشتن باید دقت داشت در آن زمان مباحث خیلی باز نبوده اکنون پس از گذشت سالیان دراز مشخص شده است. طباطبایی در ادامه در پاسخ به سوال فردی مبنی بر مبهم بودن فوت حاج احمد آقا و به یک باره مرخص شدن و شایعات آن اظهار داشت: پاسخ به این

باشد، قطعاً به ساحت تاریخ وارد می شود و در اینجاست که شرایط ویژه ای را می طلبد از قبیل رعایت امانت، صداقت و شهادت مواجهه با حقیقت، اگر این عناصر با فرد در سخن همراه شود، آثاری همچون تاریخ بیهقی تولید می شود که اثری جاودانه است. به گفته طباطبایی، کتاب اقلیم خاطرات از سال ۴۷ تا ۵۷ است. با توجه به پیش زمینه ها و شرح حال افراد عملاً سنوات بیشتری را در خود اختصاص داده، قضایای مهم ۱۰۰ سال اخیر مانند انقلاب مشروطیت، جنگ جهانی اول، حوادث کودتای رضاخان، جلوس رضاشاه و خلع قاجاریه، جنگ جهانی دوم، حوادث نهضت ملی و مطالبات ضد استبدادی مصدق، کودتای ۲۸ مرداد و سرانجام انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ را در زندگینامه های مشهور این دوره می توان ملاحظه کرد.

### قصید نگارش تاریخ نداشتیم

طباطبایی ادامه داد: سعی کردم در این کتاب بدون حب و بغض، امانت و صداقت را رعایت کنم و شهادت مواجهه با واقعیت را تجربه کنم. البته طبعاً علاقه و حب افراد نمی تواند تاثیر نگذارد سعی کردم آنچه را دیدم نقل کنم نه آنچه را دوست دارم باشد، تحلیلی بر مسائل نداشته باشم و تحلیل آن را به عهده خواننده بگذارم و فقط نقل تاریخ کنم زیرا که معتقدم به قول بیهقی در تاریخ محابا نیست.

وی افزود: سعی کردم در آن ها از بزرگنمایی و خردنمایی پرهیز کنم و خاطرات مهم در تاریخ انقلاب را اگرچه خود ندیده ام ولی مسموعتم را آورده ام اما شنیده هایی که کاملاً یقین داشتم به صحت آن ها را بیان کردم و از ویراستار اثر صمیمانه تشکر می کنم که با صبوری و متانت خاصی در تمام کتاب با من

کتاب را نوشتم چون شخصیت امام خیلی پررنگ است و ما چه بخواهیم و نخواهیم و چه دوست داشته باشیم یا نداشته باشیم یک اتفاق مهمی در کشور ما رخ داد و رژیم شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی تبدیل شد و رهبری آن را ابرمردی به عهده داشت که مرجع تقلید بود، عارف بود و خصوصیات دیگری که همه شنیده ایم، داشت و احساس کردم همه دوست دارند از زوایای پنهان از شخصیتی که تاریخ ملتی را متحول کرد، بدانند، سعی کردم در حد خودم، آن زوایای پنهان ایشان، ارتباط با اعضای خانواده و خانواده بستگان را ذکر کنم.

این بخشی از سخنان فاطمه طباطبایی عروس حضرت امام (ره) درباره کتاب خاطراتش بود که با حضور شخصیت های فرهنگی، حجت الاسلام رسول جعفریان رئیس کتابخانه مجلس، محسن بهشتی سرشت مدیر گروه تاریخ پژوهشکده امام خمینی (ره) و محمود دولت آبادی، رمان نویس معروف در موسسه شهر کتاب برگزار شد.

خانم طباطبایی امسال جلد اول خاطراتش را با نام اقلیم خاطرات عرضه کرده بود که در نمایشگاه کتاب مورد استقبال قرار گرفت، به گونه ای که چاپ اول آن تا نیمه نمایشگاه به پایان رسید.

### طباطبایی: به بیهقی اقتدا کردم

خانم طباطبایی عروس حضرت امام (ره) سخنانش در این مراسم را با قرائت عباراتی از بیهقی شروع کرد و گفت: نوشتن زندگینامه خود نوشتن از حدود ۱۰۰ سال گذشته رونق گرفته و تا امروز ادامه دارد، هرچند برخی نمونه های کهن آن مانند سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی از این مقوله است، لیکن در دوران اخیر سفرنامه ناصرالدین شاه و روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه آغازگر این نوع ادبی است.

وی ادامه داد: اگر زندگینامه ای شامل رخدادهای خاصی از تاریخ

## یک زندگی در هشت بخش



رفتاری امام آمده است. دستگیری ۱۳ آبان ۴۳ خاطره تبعید امام به ترکیه و برخی خاطرات پراکنده و دیدار با آیت الله پسندیده و خاطراتی از ایشان و سفر حج و مناسکی که در این سفر به جای آوردند هم از دیگر بخش های این فصل است.

در فصل پنجم خانم طباطبایی خاطراتی را بازگو می کند که نسبتاً سیاسی است و از آشنایی سید احمد با مبارزان و انقلابیون و دیدارهایی با اعضای سازمان مجاهدین خلق و آشنایی با همزمان سید احمد صحبت می کنند.

رفتن به لبنان و آشنایی جدی تر با شهید چمران، شهادت حاج آقا

فصل سوم این کتاب به دوران تحصیلی شان و آشنایی با سید احمد خمینی برمی گردد. خانم طباطبایی در فصل سوم کتاب از علاقه اش به تحصیل و مخالفت پدرشان با درس خواندن صحبت می کند، همچنین از نامناسب بودن فضای تحصیل و رعایت نشدن موازین اسلامی و شرعی می گویند و اینکه چطور برای راضی کردن پدر از برادرشان در آلمان کمک می گیرند و در آخر موفق می شوند توسط معلمی در خانه تحصیل کنند.

در فصل چهارم مطالبی درباره مجلس اعلای شیعیان و تلاش های امام موسی صدر، مهاجرت امام صدر به لبنان، آشنایی با دکتر چمران، رفتن به نجف و دیدار نخست با امام (ره) به همراه برخی خاطرات از ویژگی های

کتاب اقلیم خاطرات مجموعه خاطرات همسر مرحوم سید احمد خمینی است که بعد از انتشار خاطرات سه جلدی برادر خانم طباطبایی، دکتر صادق طباطبایی وارد بازار شد و مانند خاطرات ایشان از زمان کودکی تا سال پیروزی انقلاب است. این کتاب که در هشت فصل تدوین شده که شامل عکس ها و اسنادی است که تا کنون در هیچ جا منتشر نشده اند.

فصل اول کتاب اقلیم خاطرات کودکی خانم طباطبایی را در برمی گیرد که شامل سفر خانواده ایشان به عراق و کوفه است. در فصل دوم کتاب تمام اقوام و آشنایان نسبی شان را به خواننده ها معرفی می کنند. این معرفی خواننده ها را با تمامی اقوام نسبی ایشان از جمله عمه ها، عموها و همچنین دایی ایشان امام موسی صدر آشنا می کند.

### مجموعه سایت های مرکز:

سایت مرکز بررسی های اسلامی  
[www.iscq.ir](http://www.iscq.ir)

سایت استاد خسروشاهی  
[www.khosroshahi.org](http://www.khosroshahi.org)

سایت سید جمال الدین اسدآبادی:  
[www.moslehesargh.com](http://www.moslehesargh.com)

## بعث

نشریه مرکز بررسی های اسلامی  
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائیه) نبش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۳۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com